حفیظ الله خالد ۲۰۰۸/۰۹/۰۶م

دشنام نامۀ علیه افغان و افغانستان

هر چند این قلم تا کنون سعی ورزیده خود را از درگیر شدن در مناظرات قومی که بد بختانه از مدتی است دامنگیر کشور و مردم ما گردیده است دور نگاه دارد ولی بعضا خاموشی درهمچو حالات در حقیقت میدان دادن به آنها یست که تا کنون نتوانسته و یانمی خواهند خود را از محدوده تنگ وابستگی های منطقوی قومی و لسانی بیرون آرند، این دسته افراد بعوض آنکه در جامعه فرهنگ صلح، تحمل همدیگر، و همزیستی را تشویق نمایند، برعکس در پی آنند تا نفاق و تشنج را به بهانه های مختلف در جامعه ما دامن زده و برای تحقق این هدف خویش ازهرنوع تزویر و بکار بردن شنیع ترین الفاظ ودشنام های رکیک و دورازعفت کلام و قلم علیه اقوام غیور و شرافتمند کشورما نیز ابائی ندارند ، بنده که از لحاظ وابستگی قومی خود را به هر دو قوم شریف پشتون و تاجک متعلق میدانم نمیتوانم توهین و تحقیررا به هر یک از اقوام ساکن اینکشور که همه گلهای زیبای بوستان وطن مشترک ما هستند تحمل نمایم همین چند هفته قبل بنده ناگزیر شدم با یکی از افرادی که زبان شیرین دری را دست کم گرفته و علیه آن خصومت میورزید به مناظره بپردازم.

با تاسف که اینک یکی دیگراز هموطنان کینه جو و عقده مند ما اینبار نه یکی دو و یا چند صد تن را بلکه دربست همه افغان و افغانستان را آماج حملات کینه توزانه خویش قرار و با دشنام های دور از عفت کلام و قلم ملیونها هموطن ما را مورد توهین و تحقیرقرار داده است بناً منحیث یک افغان و شهروند افغانستان لازم میدانم نظرم را و در حقیقت اعتراضم را نسبت به نشر مطالبی که ظاهراً تحت نام (بحثی پیرامون چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان) اخیراً در یک عده سایتهای انترنیتی بنشر رسیده و نویسنده آن آقای لعل زاد از هیچ نوع دشنام ، ناسزا و الفاظی رکیک و نامناسب علیه افغان و افغانستان دریغ نورزیده است، وی کتب و متون تاریخی و بحر بیکران انترنیت را برای یافتن دشنام و کلمات توهین آمیز زیرو رو نموده تا آنرا بمثابه اسناد و مدارک ارائه داشته و گویا ثابت نماید که افغانها مردمان(لافوک ، نامرد، بی دین ، بد کنش، دزد رهزن و..) هستند.

آقای لعل زاد برای آنکه به (دشنام نامه) خویش وزن واعتباری نیز داده باشد و آنرا یک تحقیق اکادمیک جلوه دهد لقب پروفیسر و دوکتور را نیز با نام خویش یکجا نموده شیوۀ که درین روز ها زیاد معمول گردیده ولی بیدون شک همه میدانند که ذهن یک عالم و پروفیسور هرگز تا این حد اثیر گراهشهای تنگ نظرانه قومی و لسانی بوده نمی تواند، یک پروفیسور و عالم موضوع تحقیق اش را دور از هرگونه تمایلات شخصی لسانی، و قومی از زوایائی مختلف بطورعینی مورد برسی قرار داده و در روشنی نظریات و افکار مختلف و متضاد نتیجه گیری مینماید در حالیکه آقای لعل زاد اوراق تاریخ را صرف برای آن زیرورو نموده تا فقط دشنام، ناسزا و الفاظ توهین آمیز به ادرس افغان و افغانستان پیدا نماید.

هرگاه آقای لعل زاد عقده کشائی های شخصی خویشرا در تحقیق کنارگذاشته واقعاً مانند یک پروفیسور به تحقیق اکادمیک می پرداخت مطمئناً که در پهلوی این دشنام و ناسزا ها صفات نیکو چون، شهامت، سلحشوری، وطن دوستی، خودگذری، غیرت، مهمان نوازی، و از دها صفات نیکوو حسنه افغانها نیز بارها در اوراق تاریخ بوسیله نویسندگان و مئورخین دوست و دشمن ذکر بمیان آمده است که متاسفانه جناب پروفیسور در مورد آن کاملا خاموشی اختیار نموده است و علت آنهم اینست که وی صرف در جستجوی دشنام و توهین علیه افغان و افغانستان است، وی اشعار و متون ادبی هزاران سال قبل را برای یافتن چند دشنام و حرف رکیک علیه افغان و افغانستان یکایک ورق زده ولی از سروده مشهورعلا مه اقبال این دا نشـــمند فرهیخته، فیلسوف بزرگ شرق و شاعر روشنگر جها ن اسلام که افغان و افغانستان را بهتر از هر شاعر و مئورخ دیگر بمعرفی گرفته است کاملا کنار میرود اقبال لاهوری در مورد افغان و افغانستان چنین میگوید:

آ سیا یک پیکرآ ب و گل ا ست ملت ا فغا ن در آ ن پیکر دل ا ست

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

از فساد او فساد آسیا از گشاد او گشاد آسیا

بیدون شک اگر در اشعار اقبال لاهوری نیز دشنام و ناسزای علیه افغان و افغانستان وجود میداشت آقای لعل زاد از آن بهره میگرفت، لطفا به چند نمونه کوتاهی از دشنام نامه آقای لعل زاد تحت نام (بحثی پیرامون چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان) توجه فرمائید:
(با ین ترتیب افغان ها و یا اوغان ها در شاهنامه فردوسی سیه چهره ، ریش کافور، چشم خون، بد کنش، دزد، رهزن، راهبند، باژگیر، نامرد، لافوک ، و بد نژاد معرفی گردیده است).

وی در بخش دیگری از دشنام نامه اش از یک مئورخ دوره استعمار انگلیس بنام بیلیو که تقریبا هم عصر علامه اقبال بوده ولی چون علیه افغان سخن گفته و این همان چیزی است که آقای لعل زاد درجستجوی آن بوده و برای دشنام نامه خویش علیه افغان به آن ضرورت دارد وی از نویسنده انگلیس چنین نقل قول مینماید:

(بیلیو نیز در این اثر خود اوصافی را (از قبیل بی دینی، بی وفائی، تمرد، بی قانونی، خیانت، وحشت ، بیرحمی و ...) در مورد افغان ها ذکر میکند)

بالاخره آقای لعل زاد که فقط در جستجوی دشنام ها و الفاظ رکیک و تحقیر آمیز علیه افغان و افغانستان است بیدون آنکه از دها مئورخ و نویسنده دیگر که از شهامت، وطن دوستی، مهمان نوازی، وفا و دها صفات نیکو افغانها سخن بمیان اورده اند حتی یک نقل قول بیاورد بطور یکجانبه نتیجه گیری اش را چنین ارائه میدارد.
(بااینترتیب، مطابق تمام منابع تاریخیٔ فوق الذکر، " افغان " بدنام ترین واژه در اوراق تاریخ سرزمینی است بنام " افغانستان" که موقیعت اصلی آن در پاکستان کنونی قرار دارد)

آقای لعل زاد به همین منوال شیوه تحقیق یکجانبه خویشرا در مورد حدود و صغور افغانستان دیروز نیز با عین شیوه دنبال نموده بدین معنی که همه تلاش وی در جهت آن است تا ثابت نماید که افغانستان دیروز سرزمینی کوچکی در مناطق سرحدی بین افغانستان و پاکستان بوده و لذا برای ثبوت آن صرف به اسناد تاریخی و نقل قولهای متوصل می شود که در تائید این ادعای وی بوده و آقای پروفیسور به عصریکه قلمرو سلطنت افغانها از دهلی تا ماوراو النهر و اصفهان میرسید هیچ حرفی بمیان نمی آورد ،خلاصه همه تلاش آقای لعل زاد در جهت آن بوده تا گویا ثابت نماید که افغانها مردمان (بدی) بوده و افغانستان در گذشته صرف به محدوده کوچکی در ساحه پاکستان امروز اطلاق میگردید.

نخست باید از آقای پروفیسور داکتر لعل زاد پرسید که در کدام مرکز پژوهشی و علمی جهان حال و یا در گذشته به اثبات رسیده که اعضای یک خانواده همه دربست (دزد ، چپاولگر، لافوک ، نامرد و بی وفا) باشند چه رسد به کتله ملیونی یک جامعه قوم ، طایفه و ملت که وی تلاش دارد تا (بی وفائی بی دینی لافوک و نامرد بودن) انرا به اثبات برساند، ممکن است در یک خانواده و یا قومی تعدادی ظالم، دزد و چپاولگر وجود داشته باشد ولی آیا میشود همه افراد یک قوم و ملت بطور دربست ظالم، دزد بی وفا، لافوک بی دین و ... باشند ؟ آیا میتوان همه قوم مغل را بخاطر جنایات چنگیز خان ظالم و وحشی دانست در حالیکه تاریخ شاهد است که شاهانی چون شاهرخ میرزا و وزیر با فرهنگ آن علی شیر نوائی که بجز ابادانی و خدمت کاری نداشت نیز به همان خانواده متعلق بوده است، آیا میشود بخا طر هیتلر همه المانی ها را دربست نازی خطاب نمود. واقعا چقدر مسخره آمیز است که در دشنام نامه آقای لعل زاد به مردمی بی دین و لافوک خطاب گردیده که برای حفظ دین و ناموس شان بار ها حاضر گردیده اند ازجان خویش بگذرند و سراسر تاریخ شاهد این مدعاست بقیه دشنام ها و اتهامات را نیز به همین منوال تصور نمائید.

نمیدانم آقای لعل زاد لحظهٔ هم به این اندیشیده است که وی با این دشنام نامه خویش به افغان و افغانستان به ملیونها تن از کسانی که خود شان رابا افتخار افغان و شهروند افغانستان میدانند تحقیر و توهین روا میدارد ، این درست است که آقای لعل زاد که ازمدتی است در بریتانیا زندگی دارد خودش را دیگر افغان نداند ولی مگر نه اینست که هزاران انسان دیگر حتی در همان کشورانگلیس محل بود وباش آقای لعل زاد خود شانرا با افتخارو غرور افغان و شهروند افغانستان میدانند، برای من واقعاً تعجب آور است شخصی که خود را پروفیسور داکتر و دانشگاهی بحساب می آورد ولی تا کنون نتوانسته حتی ابتدائی ترین شیوه و فرهنگ زندگی در جامعه مدنی معاصر را که همانا احترام و عدم توهین و تحقیردیگران است فرا گیرد.

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de

ایکاش عدهٔ از روشنفکران ما در اروپا و امریکا بجای آنکه وقت شانرا برای تهیه مطالب توهین آمیز و دشنام علیه اقوام ساکن کشور، خدشه دار نمودن بیشتر وحدت ملی ، و دامن زدن به نفاق قومی ضایع مینمایند بهترآنست تا وقت و انرژی شانرا در جهت مثبت برای تحکیم وفاق و وحدت ملی و یافتن راه های حل مشکلات جاری در کشور مصرف نمایند.
امروز کشور و مردم ما در اتش یک جنگ خانمانسوز و تباه کن در حال نابودی است، فساد اداری ، کشت و ترویج مواد مخدر در بین جوانان، فقر گسترده، محرومیت اطفال از تعلیم و تربیه، بمباردمانهای کور قوای ناتو، چالشهای اند که در برابر مردم ما قرار دارد، هموطنان ما اطلاع دارند که سال گذشته بیش از هزار نفر از باشندگان کشور از فرط سردی و گرسنگی جانهای عزیز شانرا از دست دادند، تعدادی از اهالی ولسوالیهای سرحدی ولایت بدخشان سال گذشته در موجودیت دولت و جامعه بین المللی بعلت گرسنگی ناگزیر به خوردن علف شدند ، این خبر برای من بحیث یک افغان و منسوب به افغانستان انقدر درد آور بود که فریادم را بوسیله سروده پشتو که در تعدادی از ویب سایتها نیز در انوقت بنشر رسید چنین انعکاس دادم:

چې د ولږي نه انسان هلته وابنه خـوري
څنــګه ستوني نه به زمــا ډوډي تيريږي

ترجمه : چگونه در اینجا لقمه نانی از گلویم فرو رود
وقتی انسانی در آنجا از گرسنگی مجبور به خوردن علف میشود

آری برای نگارنده، این خبر از ولایت بدخشان به همان اندازه تکاندهنده و رنج آور بود که خبر کشته شدن همو طنان بیگناه ما در هلمند و یا هرات این قلم برعکس آقای لعل زاد همه اقوام ساکن در اینکشور اهم از پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن و ... و غیره وارثان اصلی این سرزمین کهن و شریف ترین مردم میداند.
دشنام و الفاظ رکیک و نا شایسته چون (لافوک، نامرد، بی دین، بد کنش، دزد رهزن و..) علیه هر کدام ازاقوا م ساکن کشور ما نه تنها کدام پایه علمی و منطقی ندارد بلکه اتهامی طفلانه و دور از عفت کلام و قلم است بخصوص اگر به ادرس یک قوم و ملت باشد.

وبالاخره تقاضا و خواهش من از مسئولین محترم ویب سایت ها اینست تا نسبت به ملیون ها هموطن خویش احساس مسئولیت نموده اجازه ندهند با نشر همچو مطالب تحریک آمیز اختلافات قومی در کشور ما بیش ازین دامن زده شود، در حقیقت آنهایکه اتش تشنجات قومی و لسانی را در وطن ما دامن میزنند اکثرا کسانی اند که خود هزاران کیلومتر دور تر عقب کمپیوتر های شان در اروپا و امریکا سنگر گرفته و به اصطلاح (اگر همهٔ د نیا را آب نیز بگیرد مرغابی را تا بند پاست) و با دریغ که باز هم همان هموطنان رنجدیده ما از همهٔ اقوام کشور در داخل هستند که باید در پهلوی جنگ، فقر، بی امنیتی و هزار و یک مشکل دیگر بهای سنگین تشنجات قومی را نیز بپردازند.

وسلام

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید
maqalat@afghan-german.de